

ماهیت وحی از دیدگاه علامه مجلسی: اصول و مبانی

سید علی موسوی*

رضا برنجکار**

چکیده

با توجه به رویکرد دینی علامه مجلسی در پرداختن به ماهیت وحی، اصول و مبانی وی در این زمینه نیز متناسب با این رویکرد و برخاسته از آیات و روایات است که یا به آنها تصریح کرده یا می‌توان آنها را از توصیفات که از ماهیت وحی ارائه داده است استخراج کرد. بخشی از این اصول معرفت‌شناختی و بخش دیگر آن وجودشناختی است. این اصول عبارت است از: مادی بودن فرشته، مبدأ نبوت انبیا، محوریت علوم نقلی با اتخاذ روش عقلی - نقلی، حجیت ظواهر، اکتفا به اجمال مطالب علوم وحیانی، علم حقیقی در کتاب و اخبار، عصمت انبیا، معجزه دلیل صدق پیامبر، و آثار روح‌القدس در انبیا. این مقاله عهده‌دار بررسی این اصول است.

کلیدواژه‌ها: مجلسی، وحی، روح‌القدس، علوم وحیانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه فلسفه دین و مسایل جدید کلامی.
** استاد گروه فلسفه، دانشگاه تهران، (پردیس فارابی).

مقدمه

علامه مجلسی ماهیت وحی را با توجه به آنچه در آیات و روایات آمده، ارائه کرده است. وحی در این نگاه سه رکن اساسی دارد؛ فرستنده وحی، واسطه وحی، و گیرنده وحی. خداوند در همه این ارکان نقش محوری دارد و هموست که مستقیماً یا با واسطه صوت یا فرشته وحی، وحی را به انبیا می‌رساند. همچنین انتخاب گیرندگان وحی به انتخاب و انتصاب الهی صورت می‌گیرد. بنابراین، وحی در دیدگاه علامه مجلسی کاملاً خدامحورانه است و نقش خداوند در تمام مراحل وحی، چه در ناحیه مصدریت وحی چه در ناحیه واسطه‌های وحی و چه در ناحیه گیرندگان وحی، کاملاً مشهود است. چنین توصیفی از وحی در این دیدگاه بر مبانی خاصی، که همانند توصیفات برگرفته از آیات و روایات است، استوار است. این مبانی شامل مبانی معرفت‌شناختی، جهان‌شناختی و انسان‌شناختی است؛ و مبانی معرفت‌شناختی شامل محوریت علوم نقلی، حجیت ظواهر، اکتفا به اجمال مطالب علوم وحیانی و علم حقیقی در کتاب و اخبار است. مبانی جهان‌شناختی شامل مادی بودن فرشته و معجزه دلیل صدق پیامبر است و مبانی انسان‌شناختی شامل عصمت انبیا و آثار روح‌القدس در انبیاست.

۱. محوریت علوم نقلی با اتخاذ روش عقلی - نقلی

چنان‌که گذشت، یکی از مبانی علامه مجلسی در پرداختن به موضوعات روش عقلی - نقلی است؛ یعنی از طرفی شاهد محوریت علوم وحیانی در اندیشه علامه مجلسی هستیم؛ از سوی دیگر، ایشان محتوای این علوم را استنباط و از طریق عقل تبیین می‌کند؛ عقلی که از چارچوب فلسفی رها شده و در تربیت وحی قرار گرفته است. علامه مجلسی در محوریت علوم وحیانی تا آنجا پیش می‌رود که حقایق را در علوم وحیانی می‌یابد و تنها آنچه در قرآن و احادیث اهل بیت (ع) وارد شده، درست و واقعیت می‌داند (مجلسی، ۱۳۶۴: ۲/۱-۳).

از این‌رو تنها منبع اتخاذ اندیشه‌های علامه مجلسی و از جمله وحی، علوم وحیانی است. تفاوت علامه مجلسی با دیگرانی چون فلاسفه اسلامی، که از علوم نقلی در دیدگاه خودشان استفاده کرده‌اند، این است که ایشان برخلاف فلاسفه با پیش‌فرض و مبانی فکری از پیش تهیه‌شده به سراغ آیات و روایات نرفته است؛ کاری که فلاسفه

بیت وحی از دیدگاه علامه مجلسی: اصول و مبانی

اسلامی آن را انجام دادند و علوم و حیانی را به مبانی خود تأویل کردند؛ عنصری که علامه شدیداً از آن پرهیز کرده و حکم به حجیت ظواهر قرآن و روایات می‌دهد و در اصل بعدی به آن می‌پردازیم.

تأثیر این اصل بر تمامی توصیفات علامه مجلسی، از جمله در تبیین وحی، دیده می‌شود. زیرا محور توصیف علامه در توصیف وحی علوم نقلی است و در جای جای مباحث او این محوریت کاملاً مشهود است. برای نمونه، در گیرنده وحی، با محوریت آیات (آل عمران: ۳۳؛ اعراف: ۴۴؛ فاطر: ۳۲) و روایات است که حکم به انتصابی بودن نبی، که گیرنده وحی است، از سوی خداوند می‌کند.^۱

۲. حجیت ظواهر

ایشان معتقد است باید به صدق هر آنچه از جانب اهل بیت (ع) به ما رسیده اذعان کنیم و سر تسلیم فرود آوریم. حتی اگر عقل نتواند مطلبی از اقوال ایشان را بفهمد، باید به ظاهرش اقرار کنیم و آن را انکار نکنیم (مجلسی، ۱۳۸۰: ۳۸۵).

علامه مجلسی بر اساس محوریت علوم و حیانی و به دلیل عدم صلاحیت عقل فلسفی که مبانی و اصول آنها از قوه وهم سرچشمه می‌گیرد، دخالت چنین عقلی را در علوم نقلی، که به نظر علامه مساوی وهم است، بر نمی‌تابد. از این رو مهم‌ترین دستاورد این عقل را، که تأویل آیات و روایات است، محکوم می‌کند و آن را سبب رسیدن به کفر و الحاد می‌داند (همان).

از نظر علامه مجلسی، بین تأویل یک موضوع و انکار آن فاصله‌ای نیست (همان: ۳۸۵ و ۴۸۵). از این رو نباید در موضوعی مانند وحی دست به تأویل زد. در واقع علامه در مسائلی که با بدیهیات عقلی در تعارض نباشد، حجیت ظواهر را می‌پذیرد و به شدت از تأویل در غیر این موارد اجتناب می‌کند.

تأثیر این اصل در ارتباط با موضوع وحی بدین صورت است که آنچه از ظواهر آیات و روایات استفاده می‌شود، ملاک تبیین وحی در دیدگاه علامه مجلسی قرار می‌گیرد و بی‌آنکه تأویلی در این ظواهر صورت بگیرد آنچه در ظاهر آیات و روایات آمده، به عنوان توصیف وحی استفاده می‌شود. برای مثال، چون ظواهر روایات بر مادی بودن فرشتگان تصریح دارند علامه مجلسی، مادی بودن فرشتگان را از این ظواهر استفاده

کرده که در مبحث وحی، نقش فرشته وحی به عنوان واسطه وحی مطرح است (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۷۱/۵۶).

۳. اکتفا به اجمال مطالب علوم وحیانی

همان طوری که در اصل قبلی ذکر شد، ظواهر علوم وحیانی حجت است و باید به ظاهر آیات و روایات اکتفا کرد. به نظر علامه مجلسی، در جایی که تفصیل روشنی وجود ندارد و خوض و تفصیل دادن به موضوع منجر به حکم به ظن و گمان می‌شود و در نتیجه احتمال گمراهی وجود دارد و نیز در خصوص موضوعاتی همچون قضا و قدر، تفکر در ذات خدا و معاد، علم اجمالی و اعتقاد به اصل موضوع مطرح شده کافی است و تفکر و خوض در این امور ضرورت ندارد. زیرا وحی امری است که بین خدا و پیامبر جریان دارد و به طور مخفیانه از جانب خداوند متعال بر پیامبر القا می‌شود و ما مکلف به تفکر در آنها نبوده و حتی مجاز هم نیستیم؛ مهم‌تر اینکه نظر دادن در این امور خطر اذعان به اموری را که مطابق واقع نیست به همراه دارد. بنابراین، در نظر علامه مجلسی اگر جای توضیح مطلب در آیات و روایات به تفصیل نبوده است باید به همان اجمال قناعت کرد و از طرف خود چیزی بر آن نیفزود (مجلسی، ۱۳۸۰: ۳۲).

تأثیر این اصل در تفصیل کُنه و ماهیت وحی در این نگاه به خوبی آشکار است. زیرا هرچند علامه مجلسی وحی را ارتباطی بین خدا و پیامبرش می‌داند، اما چون جزئیات این ارتباط در علوم وحیانی بیان نشده علامه نیز به آن قناعت کرده، تفصیلاتی را همانند فلاسفه از جانب خود بر آن اضافه نکرده است. برای مثال، در روایات اجمالاً از سنگینی وحی مستقیم و حالت اضطراب و دلهره‌ای که در اثر آن به پیامبر دست می‌داده، صحبت به میان آمده است (مجلسی، ۱۳۶۴: ۲۵۶/۱۸) و از اینکه حقیقت این امر عظیم چه بوده که چنین آثاری داشته، صحبتی به میان نیامده است. علامه نیز به همین مقدار از توصیف وحی که در روایات آمده، اکتفا کرده است.

۴. علم حقیقی در کتاب و اخبار

در دیدگاه علامه مجلسی، علم حقیقی همان علوم وحیانی است. به عبارت دیگر، در اعتقاد ایشان قرآن و احادیث محور علوم به شمار می‌روند. از نظر علامه، طبق آنچه در آثارش آمده، تنها منبع معرفت، علوم وحیانی است. وی در بحار/انوار به این امر تصریح می‌کند که در دوران جوانی

بیت وحی از دیدگاه علامه مجلسی: اصول و مبانی

علوم متداول زمان خویش را به خوبی مطالعه و درک کرده و دریافته است که تنها علم و معرفتی که می‌تواند روح تشنه انسان را سیراب کند فقط از سرچشمه وحی نشئت می‌گیرد. علامه زمانی به این نکته تفتن یافت که هر آنچه را تا آن زمان خوانده بود، ترک کرد و به دنبال سیر در علوم واقعی به گردآوری آیات و احادیث در موضوعات مختلف پرداخت.

" من همه دانش را در کتاب خداوند که هیچ باطلی بر آن راه نمی‌یابد و نیز اخبار اهل بیت یافتیم که ذخائر علم الهی و زبان گویای وحی الهی اند. و به لطف الهی یقین پیدا کردم که جریان دانش اگر از سرچشمه زلال وحی نباشد فائده و نتیجه‌ای ندارد (همان: ۳-۲/۱).

نقش محوری علوم و حیانی، یعنی قرآن و احادیث معصومین (ع)، در این دیدگاه به گونه‌ای است که اصول و فروع همه معارف برگرفته از آن است. البته علامه در کتاب‌هایش، از جمله حق‌الیقین، ادله عقلی در اثبات خدا و نبوت، یعنی بحث اصول، اقامه می‌کند و در عین حال در ارائه ادله عقلی نیز می‌کوشد از ادله عقلی اهل بیت (ع) استفاده کند (مجلسی، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۰؛ همو، ۱۳۷۸: ۱/۶۵-۷۰). در واقع، علامه مجلسی با پذیرش این اصل که حقیقت علم از این منشأ سرچشمه می‌گیرد، با وجود تسلط بر علوم و معارف بشری آنها را کنار گذاشته، سر تسلیم در برابر علوم و حیانی فرود می‌آورد، ولو اینکه عقل فردی او نتواند حقیقت آنچه را از طریق علوم و حیانی رسیده، درک کند (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱/۶۵-۷۰).

از این‌رو ایشان درباره هر آنچه در قرآن مجید و احادیث راجع به وحی وارد شده بحث کرده است و به آنها اذعان می‌کند و راه تأویل در آنها را بسته است. به نظر علامه مجلسی، بزرگ‌ترین عامل رسیدن به الحاد و بی‌دینی، فتح باب ایراد و تأویل در گزاره‌های دینی است و در مقابل انقیاد و تسلیم در برابر آنچه قرآن و احادیث بیان می‌کنند را عمده اسباب ایمان و یقین می‌داند (مجلسی، ۱۳۸۰: ۳۸۵). با توجه به این اصل، همچنان که توصیفات علامه درباره وحی از منبع علوم و حیانی، یعنی قرآن و احادیث معصومین (ع)، ارائه شده، اصول و مبانی‌ای که این توصیفات بر آنها استوار است نیز از لابه‌لای آنها استخراج می‌شود.

تأثیر این اصل در تبیین و توصیف ماهیت وحی کاملاً مشهود است. زیرا با توجه به آیات و روایات است که سه رکن وحی، یعنی مصدریت وحی، واسطه وحی و گیرنده وحی، قابل شناسایی است و علامه هر آنچه را علوم و حیانی در این باره ارائه داده‌اند، آورده است. برای مثال، آیه ۵۱ سوره شوری، که بیانگر اقسام وحی است، مبنای علامه

مجلسی در این زمینه قرار گرفته و نیز روایاتی که وحی غیرمستقیم را تشریح می‌کند و اینکه فرشته وحی به مانند بنده‌ای در خدمت پیامبر اکرم (ص) می‌نشست و وحی الاهی را می‌رسانید (مجلسی، ۱۳۶۴: ۲۵۶/۱۸). علامه چون علم حقیقی را در کتاب و اخبار جست‌وجو می‌کند مطابق چنین روایاتی واسطه وحی را نیز توصیف کرده است.

۵. مادی بودن فرشته

علامه در کتاب السماء و العالم بحار الانوار در بابی با عنوان حقیقت ملائکه و ویژگی‌های آنها روایتی آورده است که در آن پیامبر اکرم (ص) ملائکه را از جنس هوا می‌داند که با حواس ظاهر مشاهده نمی‌شوند و در ادامه می‌گوید اگر با زیاد شدن قوه بینایی قادر باشید ملائکه را ببینید به طور حتم می‌گویید این بشر است و فرشته نیست (همان: ۱۷۱/۵۶). در این حدیث پیامبر اکرم به مادی بودن فرشتگان تصریح کرده که به جهت لطافت ماده وجودی آنها غالب انسان‌ها قادر به دیدن آنها نیستند و در صورت تقویت قوه بینایی، آنها به شکل ما انسان‌ها قابل رؤیت هستند. در روایت دیگری علامه به دیدن ملائکه‌ای همچون جبرئیل از سوی پیامبر اکرم اشاره کرده است. در این دیدار پیامبر اکرم (ص) جبرائیل را به صورت فرشته‌ای که ششصد بال برای او بوده، دیده است و چنان عظمتی داشته که بین زمین و آسمان را پر کرده است (همان: ۱۷۵).

و در حدیث دیگری ملائکه را بر سه قسم دانسته؛ قسمی که دو بال دارند، قسمی که سه بال دارند و قسم دیگری که چهار بال دارند: «قال النبی (ص) الملائكة علی ثلاثة اجزاء فجاء لهم جناحان و جزء لهم ثلاثة اجنحة و جزء لهم اربعة اجنحة» (همان: ۱۷۸).^۲

این حدیث و احادیثی از این قبیل، که علامه مجلسی در باب حقیقت ملائک ارائه می‌دهد، از مادی بودن فرشتگان حکایت دارد. چنین اصلی در دیدگاه علامه مجلسی مبنای بحث او در وساطت فرشته در رساندن وحی است که در آنجا فرشته، وحی را به صورت مسموع دریافت کرده، و به پیامبر به صورت اصلی یا متمثل شده می‌رساند. نزول فرشته به گونه‌ای بوده که پیامبر و بعضی از اصحاب^۳ آن را می‌دیدند و صدای او را می‌شنیدند.

۶. عصمت انبیا

پیامبران الاهی حجت‌های مطلق خداوند سبحان بر آفریدگان او هستند (همان: ۱۲۷/۲۵؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۲۰۱/۱). حال پرسش این است که کسی که معصوم و از خطا و عصیان در امان نباشد

بیت وحی از دیدگاه علامه مجلسی: اصول و مبانی

چگونه می‌تواند حجت مطلق الاهی بر خلق باشد؟ علامه مجلسی در حدیثی که از امام رضا (ع) نقل می‌کند معصوم و مصون بودن آنها از هر گونه خطا و لغزش را متذکر می‌شود:

همانا بنده آنگاه که خدا او را برای امور بندگانش برمی‌گزیند سینه او را برای این امر فراخ می‌کند و در قلب او چشمه‌های حکمت را به ودیعه می‌گذارد و علم را به او الهام می‌کند. پس بعد از آن در هیچ جوابی فرو نمی‌ماند و از حق در تحیر نمی‌شود و او معصوم و مؤید و موفق و مورد تسدید الاهی است. از خطاها و لغزش‌ها و لیز خوردن‌ها در امان است (همان).

خداوند او را به این امور اختصاص داده است تا حجت او بر بندگانش و گواه او بر خلقش باشد. علامه تصریح می‌کند که بر طبق احادیث صحیح بسیار، رسول خدا و ائمه هدی از ابتدا تا آخر عمر به روح القدس مؤیدند؛ روح القدس آنها را تعلیم و تسدید کرده، از سهو و خطا و نسیان در امان نگه می‌دارد (همو، ۱۳۸۰: ۴۵).

عصمت نبی در مباحث گیرنده وحی مبنای بحث علامه مجلسی قرار گرفته است. بر اساس آن، گیرنده وحی به جهت عصمتی که دارد در تلقی و ابلاغ وحی کاملاً از خطا مصون بوده، هیچ خطا و نسیانی در این زمینه از او سر نمی‌زند. همچنین در ارزش معرفتی وحی در دیدگاه علامه مجلسی عصمت نبی تضمین‌کننده ارزش معرفتی آن بوده، آنچه را که او به مردم می‌رساند مردم می‌توانند به عنوان وحی الاهی تلقی کرده و صد در صد به آن اعتماد کنند.

۷. مبدأ نبوت انبیا

بر طبق روایاتی که علامه مجلسی ارائه می‌دهد، مبدأ نبوت پیامبران نه در این دنیا و هنگام بعثت آنان، بلکه به عالم ارواح و خلقت نورانی آنها باز می‌گردد. حدیثی که علامه مجلسی از حضرت رسول اکرم (ص) می‌آورد «كُنْتُ نَبِيًّا وَ أَدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ أَوْ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۲۷۸/۱۸) اشاره به این امر دارد که پیامبر اسلام قبل از این عالم نبی بود و به مقام نبوت رسیده بود. احادیثی درباره پیامبر وجود دارد که در آنها به کمالاتی که پیامبر در عالم قبل طی کرده، اشاره شده است. در این روایت پیامبر اکرم دوازده حجایی را پیموده است که در هر حجایی هزاران سال سپری کرده و در این مدت به ذکر و تسبیح خدا مشغول بوده است (همو، ۱۳۷۸: ۱۸-۱۷/۳).

روایت اول بر این امر دلالت دارد که نبی اکرم (ص) در آن عالم پیامبر بوده است و روایت دوم حاکی از طی مراحل کمال بر آن حضرت است که نشان از عظمت و بزرگی شخص پیامبر اکرم دارد. در احادیث میثاق، بعد از پیامبر اکرم، انبیا نخستین کسانی بودند که در عالم ذر به خدا پاسخ مثبت داده‌اند و بر اساس آن درجه‌بندی شده‌اند. در آیه‌ای از قرآن آمده است: «و اذ أخذنا من النبيين ميثاقهم و منك و من نوح و ابراهيم و موسى و عيسى ابن مريم و أخذنا منهم ميثاقاً غليظاً» (احزاب: ۸). ذیل این آیه علامه مجلسی حدیثی نقل می‌کند که در آن با اشاره به عالم میثاق، انبیا نخستین کسانی دانسته می‌شوند که میثاق به ربوبیت الهی از آنها گرفته شد (همو، ۱۳۶۴: ۲۳۶/۵).

با توجه به این آیه و روایت، انبیا در عالم میثاق پیامبر بوده‌اند و در این آیه خداوند از گرفتن پیمان بر ربوبیتاش، از آنها یاد کرده و افضل آنان را با نام می‌آورد که پیامبر اسلام در میان آنان نیز افضل است. بنابراین، نه تنها در آن عالم پیامبری پیامبران تثبیت شده، بلکه درجه و مقام آنان نیز مشخص شده است.

لذا با توجه به روایاتی که علامه مجلسی در این اصل و مبنا استفاده کرده، تربیت انبیا از طرف خداوند در عالم قبل از این دنیا و طی کردن مراحل کمال از سوی پیامبران، به خصوص پیامبر اکرم (ص)، زمینه را برای دریافت وحی از سوی گیرنده وحی آماده می‌کند. در واقع نبی، که همان گیرنده وحی است، باید شرایط و گیرندگی وحی را داشته باشد تا مورد خطاب خداوند از طریق وحی قرار گیرد.

۸. معجزه دلیل صدق پیامبر

یکی دیگر از مبانی علامه مجلسی در خصوص وحی معجزه و دلالت آن بر صدق پیامبر است. وی از جمله کسانی است که معجزه را به عنوان دلیل صدق نبوت پذیرفته است. دلیل این امر این است که پیامبر واقعی شناسایی شده و در مرحله بعد گفته‌های او به عنوان وحی الهی پذیرفته شود. چه بسا کسانی که به جهت انگیزه‌هایی چون شهرت قدرت‌طلبی مدعی چنین مسندی هستند. بنابراین، باید راهی برای شناسایی صادق از کاذب وجود داشته باشد. در این دیدگاه، این طریق، معجزه است. لذا در دیدگاه علامه مجلسی، انسان‌ها از طریق معجزه می‌توانند پیامبری یک پیامبر را تصدیق کنند و در نتیجه گفتار او را که مدعی است از طرف خدا است، بپذیرند. علامه دلیل این امر را این می‌داند که پیامبر نماینده خداست و هر نماینده‌ای باید

بیت وحی از دیدگاه علامه مجلسی: اصول و مبانی

نشانه‌ای در خور منوب عنه (نایب‌شده از جانب او) داشته باشد تا مردم تصدیق نمایندگی او را بکنند. معجزه آیه و نشانه‌ای است که خدا به پیامبرانش عطا می‌کند که با توجه به ویژگی‌های خاص آن، یعنی برخلاف مجرای طبیعی صادر شدن، عجز بشر از اتیان به آن و مقارن بودن با دعوی نبوت، می‌تواند مردم را به این یقین برساند که آن شخص از طرف خداست و کلمات او کلام خداست و آنچه آورده همان وحی است (همو، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۰).

در حدیثی که علامه مجلسی ارائه می‌دهد بر همین امر تأکید شده است و در روایتی امام صادق (ع) در پاسخ به شخصی که از علت معجزه داشتن پیامبران می‌پرسد، آن حضرت معجزه را دلیل صدق پیامبران دانسته‌اند:

به چه علت و دلیل خداوند به پیامبران و رسولانش و به شما معجزه عطا کرد؟ برای آنکه دلیلی بر صدق آن کسی که آن را آورده است باشد و معجزه نشانه‌ای است که خداوند تنها به پیامبران و رسولان و حجت‌های خویش (اوصیای پیامبران) می‌دهد تا صدق (مدعای) صادق و کذب (مدعای) کاذب برملا شود (همو، ۱۳۶۴: ۷۱/۱۱؛ صدوق، ۱۳۸۶: ۱۲۲/۱).

۹. آثار روح القدس

با توجه به توصیفات علامه مجلسی از وحی، یکی دیگر از مبانی‌ای که از آنها می‌توان استخراج کرد، پذیرش روح القدس به عنوان روح پنجمی است که با انبیای الهی همراه است و آثار خاص خود را برای آنان دارد. این روح امتیازاتی به پیامبران می‌دهد که در وحی‌شناسی در دیدگاه علامه مجلسی بسیار مهم است؛ از جمله این آثار احاطه علمی پیامبر است، به گونه‌ای که مابین عرش و فرش در مدعا و منظر اوست؛ چنین احاطه‌ای راه‌های نفوذ شیطان در تأثیرگذاری بر وحی را می‌بندد.

علامه مجلسی در این زمینه به فرمایش امام باقر (ع) استناد می‌کند، آنجا که آن حضرت از ارواح انبیا و آثار روح القدس در آنها سخن می‌گوید:

در انبیا و اوصیا پنج روح وجود دارد؛ روح القدس، روح ایمان، روح حیات، روح القوه و روح شهوت. به وسیله روح القدس ای جابر بین عرش تا زیر زمین را می‌داند. سپس گفت: ای جابر! دو چیز بر همه این ارواح حادث می‌شود مگر بر روح القدس که نه غافل می‌شود و نه به امر بی‌حاصل می‌پردازد (همان: ۵۵/۲۵).^۴

فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه قم: سال پانزدهم، شماره اول

چنین حمایتی از سوی روح القدس انبیای الهی را از طرفی در مرتبه بسیار بالایی از علم و معرفت قرار می‌دهد و از سوی دیگر راه‌هایی را که موجب آسیب این مرتبه علمی می‌شود، همچون سهو و نسیان و خطا، بر آنها می‌بندد. در نتیجه چنین انسان‌هایی که به افق‌های بالای معرفتی راه یافته‌اند وقتی به عنوان رسولان الهی نقش آفرینی می‌کنند، در دریافت وحی و حفظ و ابلاغ آن بی‌هیچ کم و کاست و در نهایت دقت انجام وظیفه می‌کنند.

این اصل نه تنها مبنایی برای خود وحی در نگاه علامه مجلسی است و بسیاری از مسائل مربوط به وحی خصوصاً مطالب مربوط به گیرنده وحی بر آن استوار است، مبنای مهمی برای ارزش‌گذاری وحی در این دیدگاه نیز هست. زیرا مطابقت با واقع که ارزش معرفتی وحی را مشخص می‌کند به روشنی با این اصل تأمین می‌شود.

نتیجه‌گیری

علامه مجلسی در اوان جوانی در یک تغییر معرفت‌شناختی، حقیقت علم را در علوم و حیانی می‌بیند. این امر سبب می‌شود علوم متداول زمان خود را کنار بگذارد و تمام همت خود را صرف جمع‌آوری و تبویب و تبیین علوم و حیانی کند. در نتیجه این تغییر نگرش مهم‌ترین دایرةالمعارف حدیثی شیعه یعنی بحارالانوار تدوین می‌شود. علامه ذیل عناوینی اقدام به گردآوری حدیث کرد که تا آن روز محدثین تحت آن عناوین آیات و احادیث مربوطه را جمع‌آوری نکرده بودند. علامه احساس می‌کرد نوعی خلأ ناشی از معرفتی که صرفاً از طریق منابع و حیانی عرضه شده باشد وجود دارد. از این رو تمام همت خویش را به کار بست تا معارف اسلامی را در قالب موضوعات گوناگون با استفاده از آیات و روایات برای تشنگان آن عرضه کند تا این خلأ معرفتی پر شود و بدین ترتیب مبانی علوم و حیانی و حقایق شرعی به نفع علوم دیگر مصادره نشود.

فهرست منابع

- قرآن.
- نهج البلاغه.
- حرانی، ابومحمد حسن (بی‌تا). تحف العقول، بی‌جا.
- شجاعی، محمد (۱۳۸۵). ملائکه، نگارش و تنظیم: محمدرضا کاشفی، انتشارات وثوق.

بیت وحی از دیدگاه علامه مجلسی: اصول و مبانی

- صدوق، احمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۰). *عیون اخبار الرضا*، نجف: المطبعة الحیدریة.
- ----- (بی تا). *الامالی*، چاپ نجف.
- ----- (۱۳۸۶). *علل الشرایع*، نجف: مکتبه الحیدریه.
- ----- (۱۳۹۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: دار الکتب الاسلامیة، الطبعة الثانية، ج ۲.
- ----- (بی تا). *معانی الاخبار*، قم: انتشارات مکتبه مفید.
- صفار (بی تا). *بصائر الدرجات*، مقدمه: میرزا محسن کوچه باغی، تهران: ؟؟؟.
- طبرسی (۱۳۸۶). *الاحتجاج*، چاپ نجف.
- قمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم (۱۳۸۷). *تفسیر قمی*، چاپ نجف.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). *اصول کافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ج ۱.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۸). *حیة القلوب*، تحقیق: سید علی امامیان، انتشارات سرور، ج ۱ و ۳.
- ----- (۱۳۸۰). *حق الیقین*، انتشارات کانون پژوهش اصفهان.
- ----- (۱۳۹۴). *مرآة العقول*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- ----- (۱۳۶۴). *بحار الانوار*، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ج ۱، ۱۱، ۱۸، ۲۵، ۲۶ و ۵۴ و ۹۵.

پی نوشتها

۱. «كنت نبيا والادم بين الماء والتين أو بين الروح والجسد» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۳/۶۷۴-۶۷۵؛ همو، ۱۳۶۴: ۲۶۸-۲۶۷/۱۸).
۲. «و منهم الثابتة في الارضين السفلى اقدمهم و المارقة من السماء العليا اعناقهم و الخارجة من الاقطار اركانهم، و المناسبة لقوائم العرش اکتافهم» (تهج البلاغه، خطبه اول، نک: شجاعی، ۱۳۸۵: ۳۱).
۳. منظور از اصحاب، حضرت علی (ع) است (مجلسی، ۱۳۷۸: ۳/۶۷۴ و ۶۷۵؛ همو، ۱۳۶۴: ۳/۶۷۴-۶۷۵ و ۲۶۷/۱۸ و ۲۶۸).
۴. و در روایت دیگر امام رضا (ع) می فرماید: «ان الانبياء و الائمة (ع) فقههم الله و يؤتيتهم من مخزون علمه و حکمه ما لا يوتيه غيرهم فيكون علمهم فوق علم اهل زمانهم» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱/۲۰۱؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۲/۶۷۸؛ همو، بی تا: ۱۰۰؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۲۷/۲۵).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی